

شاخصه های کارآمدی سیاسی در نظام ولایت فقیه با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدحسین جعفری

vakeel@Gmail.com

مهدی رحمانی شمسی

Seyd6424.mr@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی شاخصه های کارآمدی سیاسی در نظام ولایت فقیه با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران می باشد. روش شناسی این پژوهش به صورت توصیفی-کتابخانه ای است که در همین راستا با روش گردآوری اسنادی - کتابخانه ای، با توجه به چارچوب مفهومی با معیار قرار دادن تئوری توفیق که از نظریات موجود در باب سنجش کارآمدی دولت‌هاست، به این نتیجه دست یافتیم که هرچند شاخصه های کارآمدی سیاسی در نظام های سیاسی مختلف اعم از دینی و غیردینی از طریق عناوین ثابتی مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد اما به رغم اشتراک لفظی، به دلیل اختلاف ماهوی شان با منطقی متفاوت از منطق نظام های سیاسی همدیگر، مورد ارزیابی قرار می گیرند. لذا بررسی ما ابتدا پرداختن به این شاخصه ها با توجه به مبانی و ماهیت شان بصورت شاخص های نظری است و در نهایتاً بررسی و تحلیل آن در نمونه عینی، جمهوری اسلامی ایران است لذا این شاخصه ها بنابر اولویت بندی عبارتند از: ۱- حاکمیت قانون ۲- عدالت اجتماعی ۳- امنیت و ثبات سیاسی ۴- مسئولیت پذیری، نظارت ۵- مشارکت سیاسی می باشد. که البته همه این شاخصه ها با رویکرد عقل گرایی، مصلحت محوری و وحدت گرایی مورد ملاحظه قرار می گیرند. با بررسی مبانی مذکور در بخش تأکید به نظام ج.ا.ا که این مبانی در جنبه عینی چه مراحلی را سپری کرده به این نتیجه رسیدیم که، با توجه به سه سطح تحلیل کارآمدی توفیق که عبارت است از: اهداف، امکانات و موانع، علی رغم حجم گسترده موانع درونی و بیرونی شاخصه ها، اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و محدودیت امکانات، نظام جمهوری اسلامی در جهت رسیدن به اهداف تاسیس نظام سیاسی خود، موفق عمل کرده و نمونه یک سیستم کارآمد براساس مولفه های دینی را ارائه داده است لکن ادامه مسیر موفق آن، نیازمند الگو و نرم افزارهایی است که تولیدات فکری و علمی خود را مبتنی بر همان اصول تاسیسی و ارزش های والای دینی خود ارتقا بخشد.

کلمات کلیدی

کارآمدی، شاخصه های کارآمدی، نظام سیاسی، اهداف ولایت فقیه، جمهوری اسلامی

مقدمه

کارآمدی نظام سیاسی ولایت فقیه و اساساً حکومت دینی، از عمده‌ترین مباحثی است که در سال‌های اخیر و پس از چهار دهه از پیروزی انقلاب و شکل‌گیری نظام برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه قرار گرفته است. البته نباید از نظر دور داشت که از مهمترین مسائلی که در نظام‌های سیاسی مطرح می‌باشد، کارآمدی سیاسی است و از جمله مسائلی است که مبین موفقیت یک نظام در نیل به اهدافش می‌باشد. که ثمره آن می‌تواند در بهبود نظام اجتماعی، مشروعیت سیاسی، جلب اعتماد عمومی، توسعه و قوام نظام سیاسی تبلور یابد. از منظر صاحب‌نظران سیاسی یک سیستم سیاسی در صورتی کارآمد محسوب می‌شود که با صرف کمترین هزینه‌ها به بیشترین اهداف خود نائل آید که این اهداف با تامین نیازها، خواسته‌ها که منجر به جلب اعتماد حداکثری و حمایت افراد از سیستم در رسیدن به آن اهداف می‌شود. البته نباید از موانع ایجاد شده در برابر برخی نظام‌های سیاسی و یا امکانات و ایجاد فرصت‌های مضاعف برخی دیگر که نقش اساسی در تاخیر و تسریع رسیدن به اهداف ایفا می‌کند غافل بود.

امروزه تاثیر نظام‌های سیاسی بر سرنوشت ملت‌ها امری انکارناپذیر است چرا که ثابت شده است یک ملت فلاح و رفاه و توسعه را نخواهد دید مگر اینکه نظامی کارآمد براساس تحقق کار ویژه‌های خود براساس مولفه‌ها و شاخص‌های آن که از سوی متفکران و اندیشه‌ورزان این عرصه تبیین و تفسیر شده است، داشته باشد که این موضوع از اهمیت ویژه‌ای در شیوه حکمرانی برخوردار است. لذا از همین روست که کارآمدی و نحوه تاثیرگذاری آن بر اهداف بلندمدت و بعضاً میان‌مدت نظام‌های سیاسی و حتی موضوعات سیاسی و چگونگی ارزیابی و سنجش آن در جهت سعادت، رفاه و امنیت اقشار و آحاد جامعه باعث خلق جایگاه ویژه برای آن گردیده است. این امر هم ثابت شده است اگر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی بخواهند دوام و بقا داشته باشند لاجرم باید کارآمدی خود را به اثبات برسانند که نتیجه حداقلی آن تامین عنصر حمایت ذهنی افراد جامعه از حکومت خواهد بود.

نوآوری پژوهش حاضر در این است که به شاخصه‌های سیاسی کارآمدی براساس اولویت آنها، توجه شده و بر مبنای دینی تطبیق و موضوعش نیز خاص‌تر شده است از طرفی بیشتر مبانی کارآمدی سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد از سوی دیگر، این تحقیق به دلیل متأخر بودن نسبت به آثار مذکور، چهار دهه کامل جمهوری اسلامی ایران به صورت پیوسته مورد مطالعه قرار داده است در حالی که برخی از آثار یاد شده به لحاظ زمانی قلمرو محدودی را شامل می‌شود. علاوه بر این برخی دیگر از آثار یاد شده مسأله را در سطحی صرفاً تئوریک و ناظر به انقلاب اسلامی طرح کرده‌اند. این در حالی است که تحقیق حاضر آن مبانی را در بستر تاریخی جمهوری اسلامی از ابتدای شکل‌گیری تا زمان حاضر طی می‌کند (موسوی شریبانی، ۱۳۹۹، ۶).

امروزه تاثیر نظام های سیاسی بر سرنوشت ملت ها امری انکارناپذیر است چرا که ثابت شده است یک ملت فلاح و رفاه و توسعه را نخواهد دید مگر اینکه نظامی کارآمد براساس تحقق کار ویژه های خود براساس مولفه ها و شاخص های آن که از سوی متفکران و اندیشه‌ورزان این عرصه تبیین و تفسیر شده است، داشته باشد که این موضوع از اهمیت ویژه‌ای در شیوه حکمرانی برخوردار است. لذا از همین روست که کارآمدی و نحوه تاثیرگذاری آن بر اهداف بلندمدت و بعضاً میان‌مدت نظام های سیاسی و حتی موضوعات سیاسی و چگونگی ارزیابی و سنجش آن در جهت سعادت، رفاه و امنیت اقشار و آحاد جامعه باعث خلق جایگاه ویژه برای آن گردیده است. این امر هم ثابت شده است اگر دولت ها و نظام های سیاسی بخواهند دوام و بقا داشته باشند لاجرم باید کارآمدی خود را به اثبات برسانند که نتیجه حداقلی آن تامین عنصر حمایت ذهنی افراد جامعه از حکومت خواهد بود. نظام جمهوری اسلامی ایران برآمده از اندیشه ولایت فقیه که در بهمن ماه ۱۳۵۷ بر سر کار آمد از همان ابتدا مدعی کارآمدی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است و مدیریت دینی را حتی فراتر از مرزهای ملی خود نویدبخش نیل به اهداف و آرمان های انسانی و اسلامی و الگویی والاتر در صدور انقلاب خود می داند. لذا سال ها پیش از آن، رهبری مبارزه که در جایگاه یکی از برجسته‌ترین عالمان دین و آگاهان شریعت قرار داشت به قلم خویش چنین نگاشته بود:

«الاسلام هو الحکومة بشؤونها، و الاحکام قوانین الاسلام، و هی شأن من شؤونها، بل الاحکام مطلوبات بالعرض و امور آلیه لاجرائها و بسط العدالة.» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ۴۷۲)

اسلام عبارت است از حکومت با همه شؤون و لوازم آن، و احکام دین، قوانین اسلامند و بخشی از شؤون آن حکومت به شمار می روند، بلکه می توان گفت احکام، در واقع خواسته‌هایی تبعی و اموری ابزاری برای گرداندن امر حکومت و گسترش عدالتند.

از آنجا که چنین اندیشه سیاسی و نظام برآمده از آن که دوران های متعددی را سپری کرده و فشارها و بحران‌های ایجاد شده بر سر راه آن در طول چهل سال گذشته او را در جهت رسیدن به آنچه که بعنوان آرمان‌های انقلابی خود بوده با تاخیر مواجه ساخته است بنابراین هنوز شعار انقلابی بودن و انقلابی ماندن رهبران آن بعنوان استراتژی ممتاز این نظام در ادامه حیات چهل ساله خویش مطرح است از طرفی شبهات ایجاد شده در مورد ناکارآمدی جمهوری اسلامی ایران مخصوصاً از سوی طرف های رقیب مطرح گردیده و با تبلیغات، ناکارآمدی آن را بیشتر معلول زمینه ها و بسترهای فکری دینی و اندیشه‌ای ولایت فقیه می دانند البته با توجه به ادعای آنها نباید از این مهم غافل بود که شاخصه های کارآمدی سیاسی در نظام های سیاسی مختلف جامعه جهانی از طریق عناوین ثابتی مطرح هستند. این عناوین با این که اشتراک لفظی باهم دارند ولی به دلیل اختلاف ماهوی‌شان در نظام های سیاسی دینی باید با منطقی متفاوت از منطق نظام های سیاسی غیردینی مورد ارزیابی

قرار گیرند. بر این اساس، حداقل دو ویژگی کیفی محوری و چندساحت‌نگری را بایسته است تا در سنجش این عناوین در نظام های سیاسی دینی مورد ملاحظه قرار داد. کیفی محوری باعث می شود تا شاخصه های مذکور صرفاً از طریق کدهای کمی، و چندساحت‌نگری و مختصات دنیای مادی مورد ارزیابی قرار نگیرند. با لحاظ این ویژگی ها، جمهوری اسلامی ایران مدعی است - تنها نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه - در تجربه تاریخی خود توانسته است که شاخصه های کارآمدی سیاسی را حتی در مقایسه با نظام های سیاسی موسوم به جهان اول در حد بالایی کسب نماید. شاید دلیل این قضیه، تناسب مبانی آن با مدعاهایش می باشد؛ چیزی که در نظام های سیاسی غیردینی (به عنوان مثال؛ در نظام سیاسی غرب) به دلیل ناهمگونی آن دو، همواره غایب است. لذا این تحقیق بر آن است تا با بررسی کارآمدی سیاسی نظام ولایت فقیه با تاکید بر نمونه عینی آن یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران که منبعث از تئوری فکری رهبران آن که برگرفته از اندیشه های اسلامی و دینی می باشند، این مهم را مورد ارزیابی قرار دهد (موسوی شریانی، ۱۳۹۹، ۱۴).

وجه مشترک طیف وسیعی از جریانات فکری و سیاسی غیردینی از فردای پیروزی انقلاب اسلامی و از نخستین روزهای برپایی نظام اسلامی بویژه در زمان شکل‌گیری قانون اساسی، یک نقطه بوده و آن نفی شکل‌گیری نظام با هویتی اسلامی و ساختاری کاملاً دینی و بویژه بر محور رهبری و ولایت فقیه بوده است. لذا پس از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، همچنان یکی از سؤالات اساسی مطرح در میان نخبگان داخلی و خارجی، بحث کارآمدی نظام سیاسی برآمده از اندیشه دینی و اسلامی می باشد. چرا که به نظر می رسد این جریانات فکری و سیاسی، کارآمدی را در افق نظام های توسعه یافته غربی محور قرار می دهند و کارآمدی نظام سیاسی اسلامی را برنمی‌تابند لذا این رساله بر آن است تا نسبت حقیقت و واقعیت یک نظریه سیاسی تحت تاثیر اندیشه اسلامی و کارایی و توانایی نظام سیاسی برآمده از آن را، در پاسخگویی به مسائل و مشکلات جامعه خود و تحقق اهداف خویش که رابطه مستقیمی برقرار است را مورد توجه قرار دهد. و به این موضوع پردازد که در کارآمدی نظام های سیاسی لازم است مبانی نظری و اندیشه‌ای بوجود آورنده آن و ساز و کارهای تحقق اهداف آن، مورد کنکاش و دقت نظر قرار گیرد. اگر شبهه ناکارآمدی را که درخصوص نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح می کنند به این نکته باید توجه کنند که کارآمدی دولتهای اسلامی را نمی توان با تئوری های غیراسلامی مورد سنجش قرار داد. و این نظام را با نظام های توسعه یافته غربی مقایسه کرد و در قیاس وضع کنونی کشور با کشورهای غربی و ذکر پاره‌ای از شاخص های توسعه، بدون توجه به ماهیت و محتوای اهداف آن و غفلت از مقدورات و موانع آن در نیل به توسعه مد نظر غربی، رأی به ناکارآمدی سیاسی نظام اسلامی داد.

مفهوم ولایت فقیه

«ولایت فقیه»؛ یعنی، رهبری سیاسی جامعه اسلامی به وسیله فقیه عادل و باتقوا و دارای شرایط لازم رهبری. به عبارت دیگر مدیریت جامعه اسلامی به منظور اجرای احکام اسلامی و تحقق ارزش های دینی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۲۳-۱۲۵). لذا بنابر ادله و شواهد دینی، تشکیل حکومت اسلامی یعنی حکومتی که بر مبنای احکام خداوندی باشد، لازم است در رأس این حکومت باید کسی قرار بگیرد که در فهم احکام الهی صاحب- نظر و متخصص بوده و دارای امتیازاتی باشد که بتواند مشکلات جامعه را حل و فصل کند؛ به این انسان ولی فقیه می گویند و این یعنی ولایت فقیه. ولی فقیه تعریف، شرایط و ویژگی هایی دارد که فقیهان شیعه آن ها را از منابع روایی شیعی استنباط کرده اند. موضوع ولایت فقیه به عنوان نظریه ای شیعی در آثار فقهی بسیاری از فقیهان شیعه آمده است و اختلافی در آن نیست؛ اما درباره کمیت و کیفیت اختیارات فقیه میان آنان اختلافاتی وجود دارد. بنابراین مسئله ولایت فقیه، از دیرباز مورد عنایت فقهای شیعه بوده و دوره های مختلفی را سپری کرده است. براساس تصریح برخی از فقهای بزرگ شیعه، اصل ولایت فقیه، مورد اتفاق فقیهان شیعه است. مرحوم نراقی (۱۲۴۵ هـ) می نویسد: «ولایت فقیه فی الجمله بین شیعیان اجماعی است و هیچ یک از فقها فی الجمله در ولایت فقیه اشکال نکرده است.» (نراقی، ۱۳۷۹، ۱۸۶).

مقاله درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی به قلم دکتر حسن روحانی: ایشان با تبیین نظری مشروعیت و کارآمدی و نسبت بین این دو، چالش های فراروی جامعه ایران را مورد بررسی قرار می دهد و ضمن اشاره به مشروعیت اولیه یعنی شروع کار یک نظام در چارچوب مشروع و مشروعیت ثانویه که ناشی از کارایی نظام در اجرای وظایف و تکالیف حکومتی است به رابطه میان مشروعیت با جنبه هایی از قبیل افکار عمومی، منابع اقتصادی و ارزش ها پرداخته است و اختلافات داخلی، معضلات اقتصادی، گسترش فساد و عقب ماندگی علمی و فنی از جمله مواردی است که می تواند کارآمدی نظام و به تبع آن مشروعیت آن را زیر سوال ببرد این امر با توجه به تحولات جهانی و روند جهانی شدن به طور همزمان فرصت ها و چالش های جدیدی را در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار می دهد. این اثر بیشتر جنبه کارآمدی را از منظر شاخص رضایت مردم بررسی کرده لذا بیشتر مسأله بیم ها بر امیدها سایه افکنده و شدیداً تحت تاثیر عنصر کارآمدی از جنس نظام بین الملل است.

مقاله کارآمدی نظام اسلامی، به قلم محمود فتحعلی: ایشان کارآمدی را از عناصر مهم مرتبط با مشروعیت شمرده و همواره چالش مهم نظام های سیاسی می داند. این عنصر با مشروعیت در نظام های مختلف فلسفه، سیاست روابط متفاوتی دارد به گونه ای که در نظام هایی که مشروعیت آنها مبتنی بر رأی مردم است تضعیف کارآمدی در میزان مشروعیت تأثیرگذار است و در نظام هایی که بر پایه مشروعیت الهی بنا نهاده شده است

کارآمدی در مشروعیت فلسفی تأثیرگذار هست اما مقبولیت جامعه‌شناختی آنها را متحول می‌کند. بنابراین نگارنده معتقد است پرداختن به این مقوله ضرورت عام خواهد داشت. این مقاله کارآمدی را بیشتر از منظر مشروعیت و مقبولیت در نظام های الهی و غیرالهی بررسی کرده و تبیینی به لحاظ نظری عمیق به آن نداشته است.

مقاله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران مدلی برای سنجش و ارزیابی، به قلم نورالله قیصری و مصطفی قربانی: در این مقاله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله موضوعاتی شمرده شده است که به رغم اهمیت آن، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی و سنجش آن ارائه نشده است. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش در این است که «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه ارزیابی می‌شود و این نظام براساس شاخص های کارآمدی چه وضعیتی دارد»؛ بنابراین، با یک رهیافت نظری جدید، کارآمدی با توجه عناصر و ارکان نظام های سیاسی، یعنی ایده، ساختار، کارگزار و رفتار تعریف شده، سپس شاخص های کارآمدی مرتبط با هر یک از این ارکان ارائه شده است. در گام بعدی، با عنایت به این شاخص ها، مدلی برای ارزیابی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ارائه شده است. مدل ارائه شده علاوه بر بازنمایی وجوه مشترک نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام های سیاسی، ابعاد و ویژگی های خاص این نظام را نیز بازنمایی می‌کند. علاوه بر این، برخی مصادیق کارآمدی این نظام در هر یک از سطوح مذکور ذکر شده است. این مقاله هم مثل برخی آثار دیگر اولویت را در شاخص های کارآمدی رعایت نکرده است.

مشروعیت و کارآمدی، به قلم لیپست سیمور: در این مقاله از دیدگاه "سیمور لیپست" کارآمدی عبارت است از "تحقق عینی توان سیستم در تحقق کارهای اساسی یک حکومت" به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند از این رو یک سیستم آنگاه کارایی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم از آن توقع دارند انجام دهد، یا اینکه در نظر ایشان: کارآمدی یعنی موفقیت در تحقق اهداف با توجه به موانع. این مقاله نیز ملاک و ارزیابی کارآمدی صرفاً براساس شاخص رضایت تبیین کرده که در موارد زیادی با کارآمدی در اندیشه دینی در تناقض است.

سوال های تحقیق

سؤال اصلی

شاخصه های کارآمدی سیاسی نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه چیست؟

سؤال های فرعی

۱- اهداف نظام ولایت فقیه چیست؟

۲- شاخصه های کارآمدی بر مبنای اندیشه ولایت فقیه کدامند؟

- ۳- سازکارها و ابزارهای نیل به شاخصه های کارآمدی در نظام ولایت فقیه چیست؟
- ۴- ملاک های ارزیابی کارآمدی نظام ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، براساس مقدرات و موانع کدامند؟

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای است، در این پژوهش ابتدا کلمات کلیدی پژوهش مانند کارآمدی، شاخصه های کارآمدی، نظام سیاسی، اهداف ولایت فقیه، جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفت. شاخصه های کارآمدی سیاسی در نظام های سیاسی مختلف اعم از دینی و غیردینی از طریق عناوین ثابتی مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرند. که درصد بالای موفقیت آنها در آن شاخص ها میزان توفیق یا عدم توفیق شان را در کارآمدی و یا عدم آن رقم می زند این شاخص ها به رغم اشتراک لفظی، در موارد زیادی دارای اختلاف ماهوی هستند در نظام جمهوری اسلامی ایران که شاخص های کارآمدی در آن به دلیل اختلاف ماهوی شان در نظام های سیاسی غیردینی با منطقی متفاوت از منطق نظام های سیاسی غیردینی مورد ارزیابی قرار می گیرند. در واقع برآمده از اندیشه و تئوری فکری رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران است که برگرفته از نصوص اسلامی و اندیشه دینی می باشد. براساس اولویت بندی عبارتند از: حاکمیت قانون ۲- عدالت اجتماعی ۳- امنیت و ثبات سیاسی ۴- مسئولیت پذیری و نظارت ۵- مشارکت سیاسی. که البته همه این شاخصه ها با رویکرد عقل گرایی، مصلحت محوری و وحدت گرایی مورد ملاحظه قرار می گیرند.

یافته های پژوهش

در این قسمت، به سوالات پژوهش پاسخ داده شده است :

سوال اول : اهداف نظام ولایت فقیه چیست؟

برای پی بردن به اهداف نظام ولایت فقیه نیازمند به تبیین یک مقدمه میباشد و آن اینکه دو رکن تشکیل دهنده نظام سیاسی اسلام، «امت و امام» است. اگر بخواهیم نظام سیاسی اسلام را در یک جمله تعریف کنیم، باید آن را «نظام امت و امامت» بدانیم. لذا این نظام امت و امامت با توجه به مبانی اصیل اسلام و با توجه به مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی خاص خود، نظام سیاسی ویژه ای دارد لذا رابطه دین با سیاست هم

یک رابطه ویژه می باشد. بنابراین وقتی که از رابطه دین و سیاست صحبت می شود، بنابر گفتمان حاکم در منطق نظام ولایی، دین روح سیاست است؛ لذا قدرت و سیاست، روح دین تلقی نمی شود و دین در چمپره قدرت و یا ابزار مشروعیت قدرت استفاده نمی گردد. چیزی هم که در بحث «ولایت فقیه» به عنوان امامت امت و در دوران غیبت به عنوان «نایب امام» مطرح می شود، این است که دین روح سیاست است و این سیاست است که تابع دین قرار می گیرد. با این وصف می توان گفت مکتب سیاسی اسلام یک مکتب سیاسی فعال است نه منفعل. در مکتب سیاسی اسلام جایگاه منابع معرفتی، نگاهش به انسان، نگاهش به هستی و توقعش از دولت، روشن است. رهبری هم امام جامعه است؛ یعنی قرار است که طبق اصول با تعیین سیاست های کلان، براساس انجام تکلیف دینی و الهی تا آنجا که در توان دارد جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت کند. از طرف دیگر تجربه، در نگاه اسلام جایگاه دارد و لذا می توان از تجربه بشری استفاده نمود. براساس نگاهی که حکمت متعالیه - به عنوان فلسفه اسلامی - به ما می دهد، نوعی تقسیم کار را بین این معرفت ها انجام می دهیم و می گوئیم که عقل، ضرورت ها را کشف می کند، وحی حدود را به ما می دهد و تجربه، سازوکار انجام امور را برای ما مشخص می کند و شهود هم مباحث زیبایی شناختی را در اختیار ما می گذارد.^۱

سوال دوم : شاخصه های کارآمدی بر مبنای اندیشه ولایت فقیه کدامند؟

اولین شاخص، حاکمیت قانون است.

محوریت قانون یکی از اهداف اساسی در نظام های سیاسی است که موکدا نیز مورد توجه اسلام بوده و رعایت آن ضروری می باشد. به عبارتی شاخص مؤثر در کارآمدی نظام سیاسی، قوانین اعتقادی و ارزشی اسلام است. این امر ثابت شده است که حاکمیت قانون شاخصه ای کلی و اساسی است که با عمل به آن، نظام سیاسی کارآمد خواهد شد و امری است که جای گرفتن آن در ساختار سیاسی و توجه به آن از سوی کارگزاران، بی تردید کارآمدی نظام سیاسی را در پی خواهد داشت و موانع پیش روی آن نیز از میان خواهد رفت. لذا بنابر نظریه علمای اسلام قوانین و مقررات مناسب برای نظام سیاسی با عنایت به انعطاف پذیری احکام اسلام و قابلیت تطابق آن با شرایط زمان و مکان، برگرفته از قرآن و سنت و شریعت الهی حاکم خواهد شد. آنان معتقدند در حاکمیت قانون الهی، هیچ کس مقدم بر قانون نیست و نافرمانی الهی محال است و ظلم حتی به کوچک ترین موجود هستی ممنوع است در سیره امیرالمومنین حتی گرفتن گاهی از دهان مورچه را جایز نمی داند. حاکم اسلامی که آراسته به علم و فقاہت است ذیل قانون تعریف می شود.

۱. نجف لکزایی، سایت سوره، مکتب سیاسی اسلام.

دومین شاخص، عدالت اجتماعی است.

عدالت اجتماعی در اندیشه و سیره امام خمینی جایگاهی بس والا دارد به گونه‌ای که میتوان والاترین آرمان و خواسته امام خمینی را تحقق عدل و قسط در مبارزه با ظلم و ستم دانست. بررسی آثار و اندیشه امام خمینی بیانگر این نکته است که آنچنانکه عدل بنیان و اساس اسلام و بعلاوه مقصد آن است. امام خمینی هم در اندیشه و هم در عمل و مبارزه خود با رژیم پهلوی بیشترین اهتمام را به این امر داشته است. همانطور که قبلاً هم اشاره شد در مبانی دینی، حکومت برای تحقق عدل و قسط بوجود آمده است لذا وضع و اجرای قوانین باید بر اساس عدالت صورت گیرد و سیاست و راه بردن جامعه باید بر اساس موازین عدل و قسط باشد.

گفتار سوم: امنیت و ثبات سیاسی است.

بعد از ذکر اولویت شاخصه های حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی، در اولویت بندی شاخصه های بحث کارآمدی سیاسی از منظر نصوص اسلامی و اندیشه ولایت فقیه به شاخصه امنیت و ثبات سیاسی پرداخته می شود.

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری، بدون رضایت است و در مورد افراد به معنای آن است که نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و تحت هیچ شرایطی حقوق مشروع آنان به مخاطره نیفتاده و عاملی این حقوق را تهدید ننماید. بدون تردید میتوان گفت که یکی از مهم ترین اهداف هر دولتی، استقرار امنیت و توجه ویژه به ثبات سیاسی است تا جایی که بسیاری، فلسفه تشکیل دولت را برقراری امنیت دانسته اند. در میان فیلسوفان غربی، هابز، برجسته ترین نظریه پرداز این تفکر میباشد. در جهان اسلام نیز این نوع تفکر در اندیشه ابن خلدون ظهور بیشتری دارد

سوال سوم : سازکارها و ابزارهای نیل به شاخصه های کارآمدی در نظام ولایت فقیه چیست؟

اصول :

اولین عاملی که در راستای نیل به اهداف باید در بحث کارآمدی مد نظر قرار گیرد بحث اصول است. اصول عبارتند از آنچه در جهت رسیدن به اهداف نظام اسلامی مورد نیاز است؛ لذا اولین مولفه‌ای که در بحث اصول نیل به اهداف، مورد توجه قرار میگیرد و برآمده از ایدئولوژی و مبانی معرفتی است اصول حاکم بر نظام است مراد از آن، اصول فکری حاکم بر رفتار حکومت است که این اصول کاملاً از جهان بینی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه متأثر می باشد.

بحث اعتقادی : این بحث هر چند، یک باور قلبی است و شاید نتوان آن را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد لکن راهی جز توجه به این عنصر اساسی از دیدگاه اصول مذکور نیست البته باید توجه داشت که مبانی اعتقادی عبارت از این است که اعتقاد به خدا و اصول پنج گانه دینی را شامل میشود که هم اصول دین را شامل است و هم اصول مذهب شیعه را. لذا وقتی سخن از دین و مبانی دینی میشود در واقع اعتقاد و باور به این مسئله است که در کارآمدی نظام سیاسی اسلام، از اصول مهم و موثر یاد شده است بنابر این نمیتوان از اصول و مبانی حکومت اسلامی سخن گفت ولی در آن از مبانی اعتقادی بحثی نکرد.

بحث مشروعیت :

بحث مشروعیت است که در نظامات سیاسی اهمیت خاصی دارد این مفهوم به معنای میزان اعتقاد شهروندان به دولت و حاکمیت است که در واقع عنصر حمایت ذهنی افراد جامعه را در بردارد و در واقع میتوان گفت عنصر تجسم بخش منافع آنها و باور به حقانیت و شایستگی دولت در برخورداری از قدرت و اعمال این قدرت بر شهروندان می باشد.

وحدت کلمه :

وحدت کلمه، جایگاه و اهمیت و آثار و برکاتی دارد که در نیل به اهداف نمیتوان آن را نادیده گرفت چراکه نظام اسلامی و حکومت اسلامی با هیچ معیاری ارزیابی نمیشود مگر با محوریت کلمه توحید، که بنیانگذار جمهوری اسلامی در واقع با توحید کلمه فکرها را احیا کرد و مردم را از تشتت و تفرق رهایی بخشید. امام خمینی به مردم آموخت که خداوند در سایه حبل الله مردم را متحد می - سازد. بنابراین، وحدت کلمه امانتی است که باید آن را هم مردم و هم مسئولین حفظ کنند که رمز پیروزی نظام بوده است و از هرگونه اختلاف داخلی باید اجتناب نمود و با حفظ وحدت و اطاعت از عترت، در مقابل دشمنان نظام ایستاد و از جمهوری اسلامی دفاع کرد امام خمینی این را جزو اصول حاکم بر تمامی مراتب نظام میدانست و تخلف از آن را گناهی نابخشودنی که شاید جبران آن به مراتب سخت تر باشد.

سوال چهارم : ملاک های ارزیابی کارآمدی نظام ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، براساس مقدرات و موانع کدامند؟

در کنار مبانی اندیشه‌های کارآمدی در نظام ولایت فقیه به مباحث عینی و عملی این مبانی در مصداق بارز آن یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای داشته باشیم و در واقع از عالم نظرات به عالم واقعیات پلی بزنیم چراکه آنچه بیش از همه، مردم را در پذیرش کارایی حکومت دینی قانع می کند تجربه عملی آن است و نه مباحث نظری، و آنچه باعث شده در کشورهای اسلامی که بیشتر داعیه اسلامی و دینی داشتند بیش از همه شاهد رشد سکولاریسم در چنین جوامعی باشیم، ناکارآمدی آن در ایفای نقش و مسئولیت اصلی خود می باشد

و نه ترویج گفتاری یا نوشتاری نفی حاکمیت دینی، در ارزیابی کارآمدی نظام اسلامی بویژه نظام ولایت فقیه آنچه بیشتر جلب توجه میکند با توجه به مقدورات و موانع سابق و یا لاحق آن، نگاهی منصفانه و بدور از غرض ورزی و واقع بینانه است.

اما باید اذعان کرد نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه که تنها الگوی نظام سیاسی ولایت محور بوده و تبلور عینی آن جمهوری اسلامی ایران میباشد در واقع اولین تجربه نظام دینی بعد از چهارده قرن، با ادعای امامت و رهبری سیاسی شیعه میباشد اکنون که از عمر آن بیش از چهار دهه سپری شده اما شاید تنها حکومتی باشد که در عمر کوتاه خود، دچار این حجم از فرازو نشیب ها و بحران ها بوده باشد که می توان گفت به بلندای چند قرن رویداد و مشکلات را تجربه کرده و در خود جای داده است. بنابراین در این پژوهش که ما کارآمدی را به معنای موفقیت در اهداف در نظر گرفتیم قطعاً باید میزان تحقق اهداف را با توجه به امکانات منابع مادی و معنوی دنبال کنیم و حجم موانع و میزان شدت و ضعف و گستردگی آن را و شرایط حاکم بر نظام را از موضوعات اساسی در کارآمدی در نظر بگیریم و از طرفی باید کارآمدی را که در اندیشه و کلام رهبران نظام جمهوری ایران به آن تاکید شده است براساس همان اندیشه ولایت فقیه به ارزیابی این مقوله پرداخت. بنابراین لازم است به ملاک ها توجه جدی شود و عدم توجه به این ملاک ها ضرورتاً ارزیابی صحیحی از کارآمدی نظام را در بر نخواهد داشت. لذا در این بخش از اندیشه ولایت فقیه به مصادیق آن پلی میزنیم تا مطالب واضح تر بیان شود.

بحث و نتیجه گیری

نتیجه این پژوهش نشان داد شاخصه های کارآمدی سیاسی در نظام های سیاسی مختلف جامعه جهانی از طریق عناوین ثابتی مطرح هستند. این عناوین با این که اشتراک لفظی با هم دارند ولی به دلیل اختلاف ماهوی شان در نظام های سیاسی دینی باید با منطقی متفاوت از منطق نظام های سیاسی غیردینی مورد ارزیابی قرار می گیرند. بنابراین تعریف کارآمدی در این رساله که تبیین آن در یک نظام دینی است، باید کارآمدی در جهت بفهمیم کارآمدی در جهت یعنی مطابق با نظام ارزشی حاکم بر آن نظام سیاسی که تعیین کننده جهت یک نظام دینی است و آن کارآمدی در این نوشتار بیشتر ناظر به موفقیت در نیل به اهداف است لذا چنین کارآمدی، امری نسبی است یعنی معیار قضاوت و ارزش گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی آن نظام، با اهداف خود آن نظام سیاسی سنجیده می شود نه با اهداف دیگران.

نظام جمهوری اسلامی ایران برآمده از اندیشه ولایت فقیه که در بهمن ماه ۱۳۵۷ بر سر کار آمد از همان ابتدا مدعی کارآمدی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است و مدیریت دینی را حتی فراتر از مرزهای ملی

خود نویدبخش نیل به اهداف و آرمان های انسانی و اسلامی و الگویی والاتر در صدور انقلاب خود می داند و آن کارآمدی که در واقع برآمده از اندیشه و تئوری فکری رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران است دارای شاخصه‌هایی است که برگرفته از نصوص اسلامی و اندیشه دینی می باشد که براساس اولویت بندی عبارت بودند از: ۱- حاکمیت قانون ۲- عدالت اجتماعی ۳- امنیت و ثبات سیاسی ۴- مسئولیت پذیری و نظارت ۵- مشارکت سیاسی. که البته همه این شاخص ها با رویکرد عقل گرایی، مصلحت محوری و وحدت گرایی مورد ملاحظه قرار می گیرند.

در این رساله با توجه به نظام فکری حاکم بر اندیشه ولایت فقیه، پنج شاخصه مذکور با بیان امام خمینی و رهبری معظم انقلاب تطبیق داده شد و بعنوان اهداف نظام ولایت فقیه مورد بررسی و تحلیل واقع شد اما آنچه حائز اهمیت فراوان در این رساله بود سازوکارهای نیل به این شاخصه ها بود که پس از بررسی به دو نکته مهم در نیل به اهداف دست یافتیم که عبارت بود از الف- اصول نیل به اهداف ب- ابزارهای نیل به اهداف که هر کدام عبارت بودند از: اصول حاکم در نیل به شاخصه ها، شامل: ۱- مبانی اعتقادی ۲- مشروعیت ۳- وحدت کلمه ۴- مصلحت ۵- عقلانیت.

سازوکارها و ابزارهای نیل به هر یک از شاخصه ها شامل: ۱- عزم اجرای قانون و مقررات ۲- حسن تدبیر و مدیریت ۳- تعمیق و نشر فرهنگ دین ۴- صدور انقلاب ۵- جنبش نرم افزاری ۶- مدیریت منابع انسانی ۷- کنترل و بازرسی ۸- استقلال و خودکفایی ۹- خدمت رسانی ۱۰- مبارزه با فساد ۱۱- قدرت دفاعی و نظامی ۱۲- رضایت و اعتمادسازی ۱۳- آزادی های مدنی ۱۴- آزادی های سیاسی ۱۵- آزادی بیان، عقیده، دین و ... باید به این نکته نیز اشاره کرد که در جهت نیل به شاخصه های مذکور در نظام ولایت فقیه، با در نظر گرفتن سازوکارهای نیل به آن، براساس موارد عینی، اقداماتی در ذیل هر یک از پنج شاخصه کارآمدی سیاسی نظام ولایت فقیه، صورت گرفته که غیر از بخش های اجرایی و معاونت‌هایی که در هر سه قوه برای نیل به اهداف مذکور وجود دارد با تاسیس نهادها، سازمانها، بنیادها و ستادها در تحت اشراف مجموعه های رهبری با تمرکز بر قوای سه گانه امکانات و ابزارهای مضاعف بصورت تاسیس به چشم می خورد و آن عبارتند از:

۱- ابزار و امکانات تاسیس برای شاخصه حاکمیت قانون جهت نیل به اهداف ولایت فقیه، در جمهوری اسلامی ایران، تدوین قانون اساسی، شورای نگهبان قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، در نظر گرفته شده است.

۲- ابزار و امکانات تاسیس برای شاخصه عدالت اجتماعی جهت نیل به اهداف ولایت فقیه، در جمهوری اسلامی ایران، کمیته امداد امام خمینی، سازمان تامین اجتماعی، سازمان بهزیستی، جهاد سازندگی، بنیاد

مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام، در بخش دولتی سازمان هدفمندی یارانه ها، مسکن مهر و ...

۳- ابزار و امکانات تاسیس برای شاخصه امنیت و ثبات سیاسی جهت نیل به اهداف ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان بسیج ارتش بیست میلیونی، سپاه قدس، شورای عالی امنیت ملی، رابطه قوی بین رهبری و مردم بالعکس، توجه به اقلیت های دینی و مذهبی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت.

۴- ابزار و امکانات تاسیس برای شاخصه مسئولیت پذیری و نظارت جهت نیل به اهداف ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، نمایندگی های ولی فقیه در ادارات، سازمانها، وزارتخانه ها، دانشگاه ها، مجلس خبرگان رهبری، گروه های بازرسی دفتر رهبری، سازمان نظارت و بازرسی کل کشور، فرمان هشت ماده ای رهبری، تعزیرات حکومتی، اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستار امر به معروف و نهی از منکر.

۵- ابزار و امکانات تاسیس برای شاخصه مشارکت سیاسی جهت نیل به اهداف ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، برگزاری چهل انتخابات آزاد برای مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر، مجلس خبرگان رهبری، آزادی مطبوعات و رسانه های جمعی با رعایت حریم های قانونی، فعالیت احزاب با التزام به قانون اساسی. نتیجه اینکه کارآمدی سیاسی نظام ولایت فقیه، به معنای تحقق اهداف از پیش تعیین شده و در گرو آن، در عرصه ها و مصادیق گوناگون، چه در مرحله تشخیص علمی، روشمند و منطقی و چه در مرحله اجرای هوشمندانه، مدبرانه و مجدانه آن است و از آنجا که کارآمدی هر حکومتی را براساس سه مولفه اهداف، موانع و امکانات می سنجند. موفقیت در تحقق اهداف، به کارآمدی خواهد افزود.^۱ اما کشورهای غربی اهدافی دارند که به تعبیر مارکوزه بر مبنای روایتی تک-ساحتی از انسان شکل گرفته است. یعنی توسعه در غرب، معطوف به بعد مادی وجود انسان و در عین حال، نادیده گرفتن بعد معنوی وجود وی است. اما بررسی ما نشان داد که اهداف در کارآمدی نظام ولایت فقیه در مقوله توسعه، اهدافی هستند که تحقق مادیت و معنویت را توأمان مد نظر دارد و در عین توجه به دنیا، می خواهد که نسبت به حیات اخروی انسان هم بی توجه نباشد و این یعنی جمهوری اسلامی اساساً به راهی که غرب در دستیابی به توسعه پیموده است معتقد نیست و به عبارت دقیق تر توسعه غربی را ناقص و ناکافی می داند. از این جهت اساساً باید گفت که این نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه به چیزی به نام پیشرفت معتقد است و نه به توسعه.

^۱ . علی ذوعلم، تجربه کارآمدی حکومت ولایتی، ص ۱۲۴.

^۲ . مارکوزه هربرت، انسان تک ساحتی، ترجمه محسن مؤنسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

فهرست منابع

- ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللثالی، ج ۴، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق.
- امام خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ریال ۱۲۷۹-۱۳۶۸.
- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشادالقلوب، ترجمه سلگی نهاوندی، علی، مقدمه، محمدی اشتهاردی، محمد، ج ۱، قم، ناصر، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- ذوعلم، علی، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- لکزایی، نجف، ضرورت و چیستی نظام سیاسی اسلامی، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه (۴۸-۴۹) شماره دوم، ۱۳۹۷.
- مارکوزه هربرت، انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن موثدی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- نراقی ملا احمد بن محمد مهدی بن ابوزر، عوائدالایام من قواعد الفقهاء الاعلام، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ هـ.
- مبحث ولایت فقیه از کتاب مزبور تحت عنوان «حدود ولایت حاکم اسلامی» توسط وزارت ارشاد اسلامی ترجمه شده است.
- عبدالعلی قوام، چالش‌های توسعه‌ی سیاسی، تهران، قومس، ۱۳۷۸، ص ۵۳.
- علی آقابخش، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹، ص ۴۴۶.
- محمود فتحعلی، مباحثی در باب کارآمدی، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- جین همپتن، فلسفه سیاسی. مترجم: خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.
- محمدجوادی لاریجانی، حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش، ۱۳۷۲، صص ۳۳ - ۲۷.
- شهید مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله‌ی اخیر، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۳۲، نرم افزار مجموعه آثار شهید مطهری کامپیوتر اسلامی نور، بی تا.
- تدا اسکاچپول، دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران، محمدتقی دلفروز، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۸۲، ش ۱۹.

سه نقش برجسته ی رهبران در جوامع عبارتند از: نظریه پردازی، بسیج عمومی و معماری. نک: فریدون اکبرزاده، نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

در مورد کارآمدی ولیّ فقیه در فتنه ی ۱۳۸۸ نک: علی ذوعلم، «کارآمدی حکومت ولایی و مدیریت فتنه ی ۸۸»، روزنامه ی رسالت، ۲/۱۰/۱۳۸۹.

موسوی شربیانی، سیدجلال (۱۳۹۹)، شاخصه‌های کارآمدی سیاسی در نظام ولایت فقیه با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، صص ۳۰۲-۱.

